

تحلیل محتوایی فضای شهری براساس نظریه رمان بختین*

سمر حقیقی بروجنی^۱، سید عباس یزدانفر^{۲*}، مصطفی بهزادفر^۳

^۱عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران.

^۲دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

^۳استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۳/۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۷/۵)

چکیده

تحلیل محتوایی فضاهای شهری و استخراج معانی مستتر در آنها، یکی از حوزه‌های بحث برانگیز در مطالعات شهری است. به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های مواجهه با این موضوع، استفاده از تکنیک‌های زبان‌شناسانه در مقایسه فضاهای شهری با متون است. این مقاله به فضاهای شهری نه به عنوان هر متنی بلکه به عنوان نوعی خاص، یعنی گونه رمان پرداخته است. نوشتار پیش رو در پی آن است که با اتخاذ رویکردی کیفی و با شیوه تفسیری-تبیینی، به تحلیل فضاهای شهری از دریچه نگاه زبان‌شناسانه میخاییل بختین به تحلیل رمان و معیارهای آن بپردازد. شیوه نگرش او به تحلیل گونه داستان، یکی از نظریات نسبتاً جدید در زبان‌شناسی است که تحلیل متن را نه در سطح تحلیل واژه یا جمله، بلکه در گرو تحلیل تاریخ و زمینه‌های اجتماعی بستر آن می‌بیند که امروزه به عنوان چارچوبی تحلیلی در بسیاری از زمینه‌های فلسفی، ادبی و هنری به کار برده می‌شود. به نظر می‌رسد این نگرش می‌تواند در تحلیل‌های محتوایی فضاهای شهری، کارآمد واقع گردد. دستاورد این پژوهش، تدوین ساختاری تحلیلی است که با رویکرد تحلیل رمان در زبان‌شناسی، به عنوان ابزاری در فهم معانی مستتر در چهارباغ اصفهان در عصر صفوی، مورد استفاده قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

فضای شهری، تحلیل محتوایی، رمان، میخاییل بختین، چهارباغ اصفهان.

*این مقاله برگرفته از مباحث رساله دکتری نگارنده اول با عنوان "فضاهای شهری و بازتولید قدرت در عهد صفوی" می‌باشد که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم صورت گرفته است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۱۱۲۵۰۹۸، نمابر: ۰۰۲۱-۸۸۵۳۲۶۸۳، E-mail: Yazdanfar@iust.ac.ir.

مقدمه

است و رمان یک زبان اجتماعی است که در قالب یک فرم منسجم، شکل گرفته (Bakhtin, 1981a, 356). یک زبان اجتماعی و یک سیستم از باورهای تاریخی-اجتماعی که هویت مشخصی را برای خود در محدوده مرزهای یک زبان که تنها به صورت انتزاعی منحصر به فرد به نظر می‌رسد، تعریف می‌کند (Ibid.).

براین اساس و در جهت تاکید بر بافت و شبکه‌های روابط اجتماعی در تحلیل فضاهای شهری در این نوشتار سعی شده تا با مقایسه فضای شهری با رمان، و بر اساس نظریات بختین، نگرشی متفاوت به تحلیل فضای شهری ارائه گردد. این رویکرد، خصوصاً می‌تواند برای تحلیل فضاهایی در دوره‌های تاریخی که امکان استفاده از شیوه‌های دیگر را ناکارآمد می‌سازد، موثر واقع گردد. بدین منظور در ادامه پس از شرح مختصر نظریه رمان بختین، سعی شده با نمونه قراردادن خیابان چهارباغ در دوران حکومت شاه عباس صفوی، به سنجش این ویژگی‌ها و در نتیجه مقایسه رمان با فضای شهری، پرداخته شود. انتخاب این خیابان در عهد عباسی بدین دلیل صورت گرفته که مطالعات متعددی در باب این خیابان در زمان مورد نظر انجام شده است؛ لذا تحلیل مجدد آن، با شیوه‌ای متفاوت، می‌تواند ظرفیت روش شناسی بختین را در کشف و درک معانی جدید از یک فضای یکسان را روشن سازد.

تحقیق حاضر از نوع تحقیق بنیادی^۱ است که در آینده و با کمک سایر تحقیقات در زمینه‌های مرتبط، به صورت کاربردی نیز قابل استفاده خواهد بود. در مورد رویکرد آن نیز باید گفت که توجه به معانی، دیدگاه‌ها و ادراکات برای فراتر رفتن از لایه‌های سطحی و درک بینش عمیق‌تری از موضوع، تأکید بر واقعیت‌های تجربی و مشاهده، از مهم‌ترین ویژگی‌های یک پژوهش کیفی است که به همین منظور رویکرد انتخابی در این پژوهش می‌باشد. وقتی که اطلاعات محدودی در مورد موضوعی وجود دارد، زمانی که متغیرها نامعلوم هستند یا پایه نظری مربوط، ناقص، ناکافی و یا وجود ندارد، طرح تحقیق کیفی می‌تواند به تعریف آن چه که مهم است، یا به عبارت دیگر آن چه باید تحقیق شود، کمک کند (Leedy 1997, 11-18). براساس رویکرد طرح شده جهت تحقیق، شیوه تفسیری-تبیینی که زیرمجموعه روش تحقیق کیفی هستند، استفاده شده است. منابع مورد استفاده در پیشبرد مقاله از طریق انجام مطالعات وسیع کتابخانه‌ای چه در حوزه تاریخ و چه در حوزه ادبیات نظری مربوط به شیوه‌های تحلیل فضای شهری و دیدگاه‌ها و نظریات بختین، حاصل گشته‌اند. این منابع، سپس بر اساس روش تفسیری-تحلیلی مورد بحث و استفاده قرار گرفته‌اند.

تحلیل محتوایی فضاهای شهری که اغلب ذیل مفاهیمی چون حس مکان، معنای مکان، هویت مکان و... مورد بررسی قرار می‌گیرد، یکی از چالش‌های مطالعات شهری محسوب می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که معانی فضاهای شهری تا حدی نمایانگر ساخته‌های ذهنی افراد هستند (Carmona, 2010, 12) و در یک پیوستار، از ضعیف به قوی بسته به قدرت و عمق حس فرد از مکان رخ می‌دهند (Sha-2001; Cross, 2001; Hummon, 1992; mai, 1991). به این ترتیب، مکان‌ها در افراد مختلف معانی متفاوتی ایجاد می‌کنند و تحت تاثیر تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی قرار می‌گیرند (Messy, 1994, 146-157).

در پژوهش‌های صورت گرفته در تحلیل محتوایی فضاهای شهری، گروهی، از شیوه‌های کیفی مانند پدیدارشناسی بهره جسته‌اند (Green, 1999; Lewis, 1979; Norberg-Schultz, 1980; Jackson, 1994; Relph, 1976; Tuan, 1980). در سایر موارد، از روش‌های کمی تر استفاده شده که در آنها معنای مکان رویکردی چندبعدی نسبت به یک قرارگاه فیزیکی فرض شده و در جهت فهم ابعاد موثر بر این معنا و روش‌های کمی کردن چنین پاسخ‌های محیطی‌ای، گام برداشته می‌شود (Jorgensen & Stedman, 2006; Shamai, 1991; Shamai & Ilatov, 2005).

اما هر دو این روش‌ها بر پایه تحلیل تجربه فضایی محقق یا کاربران مکان مورد نظر شکل گرفته‌اند. در حالیکه اگر پژوهش به تحلیل محتوایی مکانی در یک دوره تاریخی به خصوص بپردازد، این روش‌ها ناکارآمد به نظر می‌رسد. سوالی که این مقاله در پی یافتن پاسخ مناسب برای آن است، چگونگی فهم معانی مستتر در یک فضای شهری در دوره تاریخی به خصوصی است.

می‌توان شیوه‌های تحلیل متن را یکی از روش‌های کارآمد در این زمینه دانست. اما شیوه ساختارگرایان، بر اساس نظریات سوسور^۲ و حتی پس‌اساختارگرایان نیز دارای نقاط ضعفی هستند. در این رویکردها اغلب، زمان، فضا، فرم، اتمسفر، بافت، رنگ و ویژگی‌هایی مانند آن، که به شکلی غیرقابل انکار محیط را تحت تاثیر قرار می‌دهند، در نظر گرفته نمی‌شوند (Hellman, 1993, 518-519). لوفور معتقد است که در ارتباط با محیط مصنوع به جای سخن از متن، بهتر است از بافت صحبت کنیم؛ بافتی که با تمام زمینه، محیط و شبکه‌های روابط جمعی که در آن شکل گرفته، دیده شود (Lefebvre, 1991, 118). از سویی دیگر بختین^۳، فیلسوف و زبان‌شناس روس این ایده را مطرح می‌کند که رمان و داستان به عنوان گونه‌ای مستقل از سایر انواع متن است. به اعتقاد وی، ذهنیتی که رمان را می‌آفریند، ذهنیتی چندزبانه

۱. رمان از دیدگاه بختین

سازماندهی و ارتباط نظام‌مند مطالب رنج می‌برد (Kumar, 2015, 13). با این حال پس از مرور نظریاتش، با مفاهیم یکسانی

بختین، فیلسوفی روس است که آثار تأثیرگذاری در حوزه نقد و نظریه ادبی نوشته‌است. متاسفانه آثار وی از عدم وجود

رابطه زمان-فضا که در آن زندگی وجود دارد و بروز خلاقیت امکان پذیر شده است را توضیح می‌دهد (Bakhtin, 1981b, 115). بختین تا اندازه‌ای برای ریشه‌های اجتماعی زبان اهمیت قائل است که معتقد است نمی‌توان داستان را در گسست از تعیین‌های اجتماعی‌اش شناخت (احمدی، ۱۳۸۶، ۹۴).

۴.۱. پیچیدگی در ژانر^۷

بختین معتقد است اگرچه واحد زبان کلمات و جملات است، اما ما زبان را به شکل گفتگوها و سخن^۸ درک می‌کنیم. یک سخن ممکن است یک آوا (مانند صوتی برای تعجب)، یک کلمه، یک جمله یا چند جمله باشد که شروع و پایانش به قطع شدن و یا تغییر جهت گفتگو بستگی دارد (Bakhtin, 1986, 72-75). به عقیده او هر شرایطی از گفتگو، گونه‌های نسبتاً ثابتی از سخن را در خود می‌پرورد که این گونه‌ها را ژانر می‌نامد. ژانر بر این مفهوم استوار است، که در یک فرهنگ، تنوعی از شیوه‌های گفتاری در کار است، مانند شیوه‌های مختلفی که شخصی در مواجهه با استاد، دوستان، والدین و... به کار می‌برد. او توضیح می‌دهد، از آنجایی که رمان با سخن دیگران انباشته شده است و نویسنده، ژانرهای اولیه گفتگو را در شکل دادن به متن خود ترکیب می‌کند، از ژانر پیچیده برخوردار است (Ibid., 89). بدین شکل در رمان هر ژانر گفتگو رابطی است در زنجیره گفتگویی که در یک فضای به خصوص اتفاق می‌افتد. بدین معنا که بخشی از شخصیت (ژانر) یک سخن در پاسخ به آن نهفته است (Ibid., 91). بختین پس از بررسی تاریخی تحقیقات زبان‌شناسانه، به این نکته اشاره می‌کند که حقیقتی که در همه این تحقیقات نادیده گرفته شده است مسئله ژانر است (Ibid., 62). بی‌توجهی به ژانر به معنای نادیده انگاشتن ماهیت تاریخی، اجتماعی و ارتباطی زبان و تنها پرداختن به وجه تکنیکی آن است. یک سخن در عین منحصر به فرد و متمایز بودن، انباشته از معانی تاریخی است که به وسیله فرد و از طریق تاثیر تعداد بیشماری از گوینده‌های پیشین، در آن رسوب کرده است. بنابراین بختین، وظیفه‌ی زبان‌شناسان

برخورد می‌شود که مکرراً تکرار گشته و با استناد به آنها تا حدودی می‌توان فلسفه‌اش را ادراک و سپس از مفاهیم مرتبط با آن در سایر حوزه‌ها استفاده کرد. اگرچه بختین کار خود را در زبان‌شناسی آغاز کرده است، اما بسیاری معتقدند که نظریاتش را می‌توان در حوزه تحلیل‌های کاربردی فرهنگ و فلسفه نیز کارآمد دانست (Hirschkop, 1989, 4). بختین، نظریات خود را با معرفی رمان و داستان به عنوان گونه مستقل از سایر انواع متن آغاز می‌کند. به نظر او، ذهنیتی که رمان را می‌آفریند، ذهنیتی چندزبانه است و در نتیجه، انگاره بازنمایی شده از انسان در رمان متفاوت است (بختین، ۱۳۸۷، ۴-۵). وی ویژگی‌هایی را برای رمان بر می‌شمارد که در ادامه به شرح آنها پرداخته شده است.

۱.۱. گفتگومندی^۲

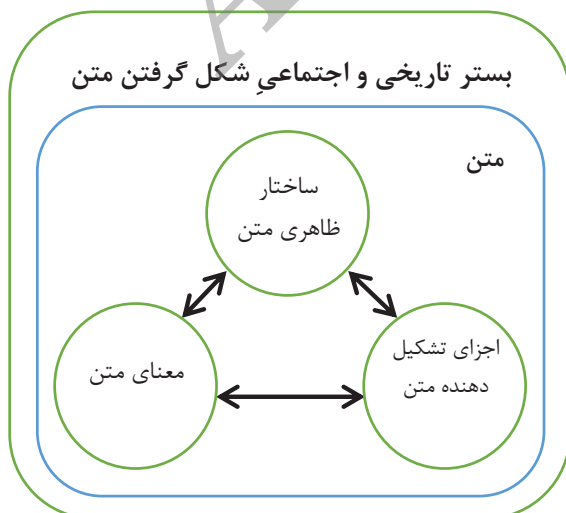
اگرچه بختین معتقد است، گفتگومندی و مکالمه‌مداری، ویژگی ذاتی زبان است، اما گفتگو محور بودن رمان را، مهم‌ترین ویژگی آن برمی‌شمارد (Bakhtin, 1981a, 293). در این دیدگاه، هر سخنی که ما می‌گوییم در واقع در انتظار پاسخ و یا در پاسخ به گفته‌ای بر زبان می‌آید؛ اما در رمان، این وجه زبان، غلبه می‌یابد (Ibid., 295). در رمان، نویسنده در مرکز قرار می‌گیرد و با شخصیت‌های رمانش روبرو می‌شود. در این حالت، مکالمه‌ای که از یک طرف بین نویسنده و شخصیت‌هاست و از طرف دیگر بین شخصیت‌ها با هم، صورت می‌گیرد. مکالمه‌گرایی برای باختین، در حقیقت روشی شناخت‌شناسانه است که عامل تعیین‌کننده عملیات معنا در تمامی متن‌ها و دربردارنده مفهوم برتری بافت بر متن است (Ibid., 311).

۲.۱. چند آوایی^۵

بختین معتقد است که ایده‌های موجود پیرامون متن همیشه سخنگویی واحد را در پیش فرض خود دارند. سخنگویی که رابطه بی‌واسطه با زبان شخصی خود دارد و معنایی منحصر به فرد را در گفتارش می‌آفریند (Bakhtin, 1981a, 261-262). اما در رمان، صداهای مختلف حضور دارد و صدای نویسنده، وجه غالب را به خود اختصاص نمی‌دهد (Bakhtin, 1994, 88-97). در حقیقت نویسنده رمان همواره زبان خود را با زبان دیگری (زبان شخصیت‌های داستانش) هماهنگ می‌کند و از چندآوایی استفاده می‌کند، تا وارد گفتگو با خوانندگان شود و در این شرایط است که معانی از یک نقطه کانونی در جهات مختلف پراکنده می‌شوند (Bakhtin, 1981a, 289).

۳.۱. وجود پیوستار زمانی-مکانی^۶

به نظر بختین، انگاره‌های هنری، مقولاتی پیوستار محور هستند و در واقع پیوستار زمانی-مکانی، ایفاگر نقش بسیار مهمی در بازنمایی نوع انگاره‌های موجود در اثر است. باختین بر این باور است که نقد پیوستاری، فهم ما را از آثار ادبی، بسط داده و ژرفا می‌بخشد. در نظریه او، مفهوم دیالوگ، فرایند و عمل گفتگو و رابطه بین افراد یا اشیاء را شکل می‌دهد و مفهوم کرونتوپ،



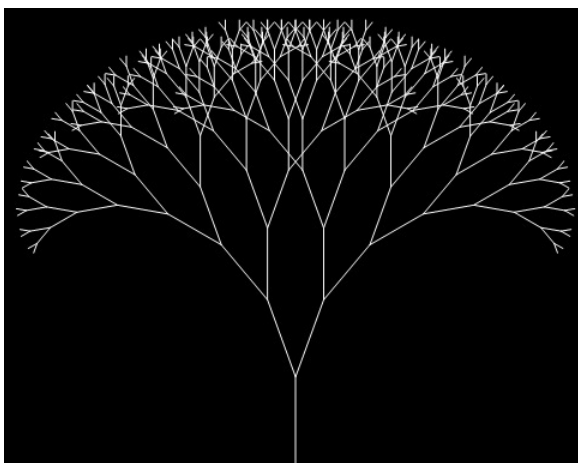
تصویر ۱- نگرش بختین نسبت به تحلیل متن.

را، حرکت بین معانی اصطلاحات زبانی و نحوه کاربرد آن توسط کاربران زبان می‌داند (Ibid., 71).

۲. تئوری خوانش رمان

در توضیح تئوری خوانش بختین باید گفت که عناصر زبانی، جلوه ظاهری متن و تعبیر متن سه جزء جدایی‌ناپذیر در تحلیل هستند. بنیان روش تحلیل رمان را می‌توان بر پایه گفتمان پویا (دیالوگ) بین موضوع، هدف، محصول، فرایند، فرم و محتوا و بر پایه نگاه به زبان به عنوان مفهومی اجتماعی و تاریخی دانست (تصویر ۱). او معتقد است: «کلمه در یک گفته به عنوان موجودی زنده و پاسخگو متولد می‌شود و در یک دیالوگ متقابل با سایر کلمات و در راستای هدفی خاص شکل می‌گیرد و مفهوم و نقش خود را در حین برقراری این دیالوگ شکل می‌دهد» (Bakhtin, 1994b, 98). لذا کلمات خنثی و بی‌طرف نیستند و نباید آنها را جدا از زمینه و بی‌ارتباط با دیگر فاکتورها مورد تحلیل قرار داد. یک کلمه در حرکت به سوی هدفش، وارد دیالوگ با گروهی دیگر از کلمات می‌گردد. تحت تاثیر لحن گفتمان قرار می‌گیرد، با برخی از لغات تلفیق و با گروهی دیگر ترکیب می‌شود. همه این رفتارهای بی‌رحمانه که یک متن را شکل می‌دهند، ممکن است تنها اثراتی جزئی بر لایه‌های معنایی متن داشته باشند و فقط رفتار سبکی متن را تحت تاثیر قرار داده و مواجهه با آن را پیچیده‌تر سازند (Bakhtin, 1981a, 276).

نکته دیگر آنکه رمان یک متن پیچیده است که در عین داشتن کلیت و یکپارچگی، در واقع تقاطع صداها و مختلفی است در حال مکالمه با یکدیگر که صدای دیگران و نویسنده با یکدیگر در هم می‌آمیزند (تصویر ۲). این گوینده‌های متعدد خود در فضاهای مختلف، از زانرهای گفتگوی متفاوتی استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی است که این ملغمه صداها که به شیوه‌ای هنرمندانه توسط نویسنده رمان سازماندهی شده، تأثیری ناهمگون^۹ و پیچیده و در عین حال یکپارچه و واحد بر مخاطب می‌گذارد (Ibid., 262). بنابراین رمان برای تحلیل‌گر با پیچیدگی‌های بسیار همراه خواهد بود زیرا طبیعت زبان شناسانه متکثر و در عین حال واحد،



تصویر ۲- بیان تصویری یک رمان در نظریه بختین.

پیوسته و مستقلی دارد (Ibid., 272). بختین، تکثر معنایی مشابهی با نظریه ساختارشناسان در ذهن ندارد، که منظورشان کثرت معنایی واژه‌ها و عبارات به واسطه قطع پیوند میان دال و مدلول است، بلکه از نظر او، این کثرت به واسطه گوناگونی شیوه‌های متفاوت سخن گفتن، استراتژی‌های متفاوت بیان و نیز فرهنگ اجتماعی متفاوت حاصل می‌شود (Bakhtin, 1986, 84). بختین، سخنان را در رابطه با یکدیگر و در رابطه با مفاهیم توصیفی، تاریخی و انعکاسی قرار می‌دهد. او در مطالعه کلام به بررسی دوشادوش شکل و محتوا قائل است (Bakhtin, 1981a, 261).

در نهایت می‌توان خط مشی بختین در بررسی منتقدانه رمان را در چهار نکته اصلی خلاصه نمود:

۱. تلاش برای درک رمان به عنوان محصولی در ظاهر وحدانیت یافته اما انباشته از ناهمگونی‌ها و پیچیدگی‌ها (Ibid., 417).

۲. توجه به بستراجمعی، ایدئولوژیکی و تاریخی اثر: این شیوه از تحلیل با حرکت پویا بین سخن، گوینده و شنونده، معانی را بیشتر به زمان و فعالیت‌ها پیوند می‌دهد تا به المان‌های منفرد جملات. بختین، شکل گرفتن معانی را فرایندی فعال می‌داند و سعی دارد که این معانی را در تجربیات اجتماعی جستجو کند (Bakhtin, 1986, 64-66). در این دیدگاه، نویسنده از سویی منحصر به فرد و فعال است و از سویی دیگر اجتماعی و تابع است. نویسنده تنها منبع خلاقیت فردی نیست، بلکه انعکاس‌دهنده‌ی قوانین کلی جامعه نیز هست (Ibid., 69). از این رو، آنچه در نقد صحیح یک رمان مورد احتیاج است، فهم عمیق معانی اجتماعی-ایدئولوژیکی هر زبان و اطلاعات دقیق نسبت به نحوه توزیع اجتماعی و نحوه عملکرد و سازماندهی سایر نیروهای ایدئولوژیکی در همان عصر خواهد بود.

۳. داشتن نگاهی کل‌گرایانه و نه جزئی‌نگر نسبت به اثر: توجه به این نکته که واحدهای زبانی گفتگوها هستند و نه جملات (Ibid., 72-75)، موبد نگاهی کلیت‌گرا و تمامیت‌گرا در تحلیل رمان از این منظر می‌باشد. بختین می‌نویسد: وقتی جمله‌ای را مستقلاً و جدا از زمینه تحلیل کنیم، شواهد راهنمایی‌کننده در متن مانند تاثیر پاسخ پیش‌بینی شده، بازتابش در میان سخنان دیگران، در ادامه متن و تغییرات جزئی در موضوع متن که همه سخن را از درون تحت تاثیر قرار داده، گم می‌شوند، زیرا این شواهد خارج از آن جمله منفرد، به عنوان یک واحد زبانی، قرار دارند (Bakhtin, 1994b, 99).

۴. توجه به نیروهای مرکزگرای: بختین معتقد است که در بررسی رمان، دو دسته از نیروها وجود دارد؛ نیروی مرکزگرا که خواننده را به سمت خوانش وحدانیت جو و غیرقابل تغییر اثر می‌کشاند و نیروی مرکزگرای که موجب می‌شود معانی جدیدی از اثر، متناسب با خود و شرایط زمانیمان، خلق کنیم. این نیروها درون یک اثر وجود دارد و حضور دیالوگ گونه آنها این امکان را فراهم می‌سازد که تفاسیر و تعبیر جدیدی از یک اثر ارائه شود (Bakhtin, 1981a, 421).

با توجه به آنچه به عنوان ویژگی‌های رمان در نظریات بختین

دلایل گفته شده در زمان شاه عباس توسعه یافت. مشروعیت صفویه یا همان درک و شناخت عامه از حق عضو خاندان صفوی در به کارگیری اقتدار سیاسی، تا حد زیادی بر پایه ارتباطات عمومی مؤثر استوار بود (مک چسنی، ۱۳۸۶، ۱۱۳). ارتباطات عمومی مؤثر به این معنا بود که حکومت پادشاهی بایست تعهدات خود در قبال احترام به آداب و سنن ایران باستان و اقتدار غیرقابل وصف آداب شیعی در زندگی مردم و شاه را دائماً تصدیق و اثبات می نمود (همان). حکومت صفوی برای اثبات دائمی این تعهدات، از ابزار تبلیغاتی موجود (مثل شرح وقایع دادگاه، شعر، آگهی های رسمی) و نیز اجرای اعمال نمادین استفاده می کرد (همان).

شاه عباس پس از تسلط بر امور، بنا بر دلایل متعدد، اصفهان را به پایتختی برگزید. "لهذا درین سال (که) مطابق ست و الف هجری است رأی جهان آرا بدان قرار گرفت که دارالسلطنه مزبور (اصفهان) را مقرر دولت ابد مقرون ساخته عمارات عالی طرح نمایند. بدین نیت... زمستان را بعیش و خرمی در دولتخانه مبارکه نقش جهان گذرانیده... و ایام بهار عمارات عالی طرح انداخته معماران و مهندسان در اتمام آن می کوشیدند و از دروب شهر یک دروازه در حریم باغ نقش جهان واقع و به درب دولت موسومست از آنجا تا کنار زاینده رود خیابانی احداث فرموده چهار باغی در هر دو طرف خیابان و عمارات عالی در درگاه هر باغ طرح انداختند و از کنار رودخانه تا پای کوه جانب جنوبی شهر انتهای خیابان قرار داده اطراف آنرا برامراء و اعیان دولت قاهره

مطرح شد، اگر بخواهیم چنین شاخصه هایی را در فضاهای شهری دنبال کنیم، می توان به نکاتی که در تصویر ۳ مشخص هستند، اشاره کرد. در بخش بعدی، تلاش بر این خواهد بود تا این ویژگی ها به تفصیل در مورد خیابان چهارباغ به آزمون گذارده شوند.

۳. فضای شهری به مثابه یک رمان

در تعمیم روش شناسی تحلیل رمان به تحلیل محتوایی فضاهای شهری در یک دوره تاریخی، ابتدا می بایست نقاط تشابه رمان به عنوان گونه ای از متن و فضای شهری مورد بررسی قرار گیرند. بدین منظور خیابان چهارباغ اصفهان در عصر صفوی به عنوان یک نمونه، مورد آزمون قرار می گیرد.

شاه عباس^۱ تحت شرایطی بر تخت نشست که توقع حکومتی بلندمدت برای وی امری بسیار بعید می نمود. در صحنه داخلی، طی دوازده سال پس از مرگ شاه طهماسب^۲، قدرت شاه به نحو چشمگیری کاهش یافته و اختلافات گسترده ای بین ترک و تاجیک به وجود آمده بود و امیران قزلباش داعیه قدرت داشتند (اسکندریک، ۱۳۷۸، ۱۱۰). از نظر سیاست خارجی نیز تقریباً تمام ایالات غربی و شمال غربی به اشغال عثمانیان درآمد بود و در شرق هم نیمی از ولایت خراسان مورد تاخت و تاز ازبکان بود. گفتگو از مباحث عقیدتی که دولت صفوی بر آنها تکیه زده بود، از بحث این مقاله خارج است ولی مهم، تلاش برای به تصویر کشیدن مفهوم مشروعیت و اقتداری است که بنا بر



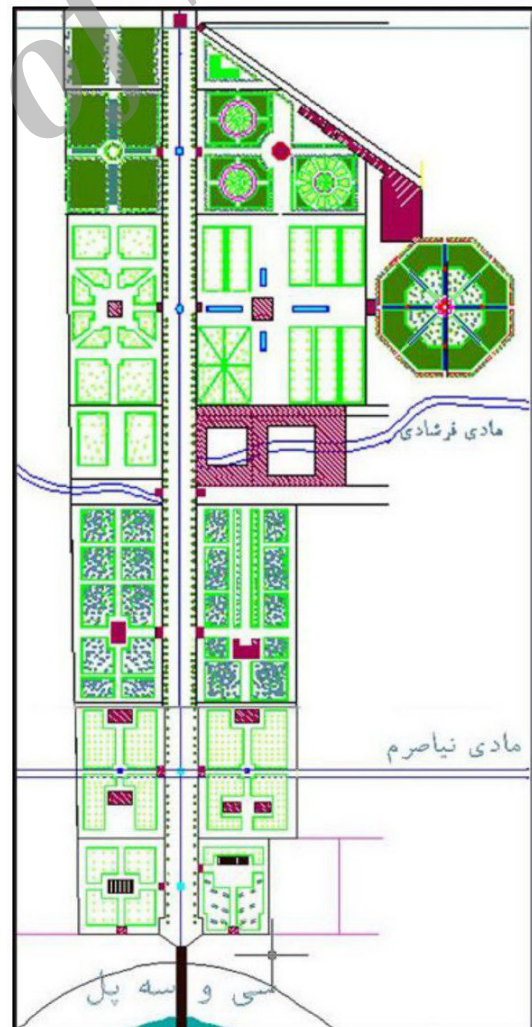
عنوان فضایی برای گردش و تفریح به صورت مستقراست (اهری، ۱۳۸۵، ۵۳). قهوه‌خانه‌ها و مهمان‌خانه‌های اطراف (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۹۵) و دکه‌های فروش میوه و مربا (فیگوئرا، ۱۳۶۳، ۲۲۱)، همگی مویید این نکته است که چهارباغ محلی برای مکت، توقف و گذران اوقات فراغت بوده است. جنابادی نیز به فراهم بودن شرایط تفریح و خوش‌گذرانی و وجود میخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها برای استفاده مردم عادی اشاره کرده (Mcchensey, 1988). این خیابان علاوه بر تفریح، محلی برای برگزاری مراسم‌ها و نمایش‌های آیینی و حکومتی نیز بوده است: مانند مراسم عید قربان و بخشی از مراسم سوگواری امام حسین و همچنین مراسم‌هایی نظیر عید نوروز، گلریزان (دلاواله، ۱۳۸۰، ۵۲۱) و آب پاشان (اسکندریک، ۱۳۵۸، ۸۳۸)، همچنین بدرقه شاه به هنگام سفر، سواری و شکار (کمپفر، ۱۳۶۳، ۲۳۲). برگزاری چنین مراسم‌هایی در این خیابان و همچنین اجزای کالبدی آن به عنوان اولین خیابان در ایران که دارای طراحی کف و بدنه است (اهری، ۱۳۸۵، ۵۲)، آن را با معابر عهد تیموری متمایز می‌سازد. روند سواره‌رو کردن خیابان به دنبال ورود اتومبیل به این شهر، در عصر پهلوی منجر به حذف پله‌ها، پرکردن حوض‌ها و تسطیح کف آن گشت (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۹-۲۰). در این زمان، بسیاری از کوشک‌ها و سردرهای اطراف خیابان و درون باغ‌ها، که به مخروبه تبدیل شده بود، فروخته شدند و به جای آنها مغازه‌ها و آپارتمان‌های متعدد ساخته شد. این تغییرات در واقع معبری که گردشگاهی عمومی بود، به یکی از محورهای اصلی تجاری-اقتصادی شهر تا به امروز بدل کرد (همان).

۱.۳. گفتگومندی در فضای شهری

اولین ویژگی قابل بررسی، وجود منطق مکالمه‌ای در فضای شهریست. منطق گفتگویی بختین در مان، در چند سطح قابل بررسی است: گفتگوی بین شخصیت‌های داستان، گفتگوی نویسنده و شخصیت‌ها، گفتگوی شخصیت‌ها و مخاطب اثر، و گفتگوی درون متنی عناصر زبانی (با یکدیگر (Kumar, 2015, 14-15)). اگر بتوان در هر فضای شهری، طراح را همان نویسنده اثر، عناصر و جزئیات فضا را همان واژگان شکل‌دهنده به متن، شاخصه‌های طراحی (نظیر امنیت، کیفیت بصری، خدمات حمل و نقل و...) را همان شخصیت‌های داستان و مخاطب را کاربرد نظر گرفت، وجود چنین سطوحی از گفتگو در فضای شهری نیز قابل تایید است. گفتگو بین شاخص‌های فضای شهری، به معنای تاثیر متقابل فاکتورهای الزامی در طراحی و گفتگوی طراح و این شاخص‌ها را می‌توان در چگونگی بیان ایده‌ها و ایده‌آل‌های طراح در چارچوب اصول و قواعد هریک از این شاخص‌ها دید. به طوری که رابطه دوسویه‌ای بین ایده‌های طراح و الزامات طراحی شکل می‌گیرد. گفتگوی بین مخاطب و فضا نیز نشان از رابطه دوطرفه مابین کاربر و فضای شهری دارد. کاربر، فضا را تحت تاثیر خود قرار داده و همزمان از آن تاثیر می‌پذیرد. در توضیح گفتگوی درونی اجزای فضا نیز باید گفت که تمام اجزای یک فضای شهری، سرشار از اهداف کارکردی

قسمت فرموده‌اند که هر کدام باغی طرح انداخته ... و در انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع ... طرح انداخته به باغ عباس‌آباد موسوم گردانیدند و پل عالی ... که برزاینده رود بسته هر دو خیابان به یکدیگر اتصال یابد و تا عباس‌آباد یک خیابان باشد ... از آن تاریخ تا حال ... عمارات با صفا و باغات دلگشا بنوعی که طرح کارخانه ابداع در عرصه ضمیر مبارک اشرف طرح افکنده بود بحیز ظهور آمده در کمال لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت" (اسکندریک، ۱۳۷۸، ۵۴۴-۵۴۵).

خیابان چهارباغ (تصویر ۴) در عصر شاه عباس بیش از آنکه معبری برای عبور باشد، به عنوان محلی برای تفریح و گذراندن اوقات فراغت در نظر گرفته شده بود. این کارکرد به حدی بارز بوده که برخی از گردشگران مانند اولناریوس، پیش از آنکه از چهارباغ با عنوان خیابان یاد کند، می‌نویسد: "... نزدیک پل زاینده رود، باغ وسیع و جالبی به نام چهارباغ وجود دارد" (۱۳۷۹، ۶۱۳). همچنین سایر گردشگران نیز بر اینکه این خیابان گردشگاهی عمومی است، تاکید داشته‌اند (شاردن، ۱۳۷۵، ۱۵۲۰ و کاری، ۱۳۴۸، ۶۷). یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد چهارباغ که آن را متفاوت از نمونه‌های پیشین خود می‌سازد، ویژگی آن به



تصویر ۴- نقشه بازسازی شده چهارباغ در عصر صفوی.

ماخذ: (قلی پور، ۱۳۹۳، ۴۴)

دهد. نظریه شرایط بحرانی به تخت رسیدن شاه عباس و نیاز مبرم حکومت به همبستگی مردم و حفظ اتحاد، می‌تواند به این خیابان به عنوان حوزه توسعه همبستگی مکانیکی که نه بر تمایزات بلکه بر ایدئولوژی برخاسته از تشابهات بین اجزا (تشابهات دینی و ملی) استوار است، نیز توجه نشان داد. بدین شکل، تفاوت‌های طبقاتی و جنسیتی در پرتو تقویت نقاط تشابه در خلال این مراسم‌های باشکوه ملی نادیده گرفته می‌شد و به یکی از راهکارهای خلق هویت جمعی و دستیابی به همبستگی اجتماعی^{۱۲} در عصر صفویه بدل می‌گشت.

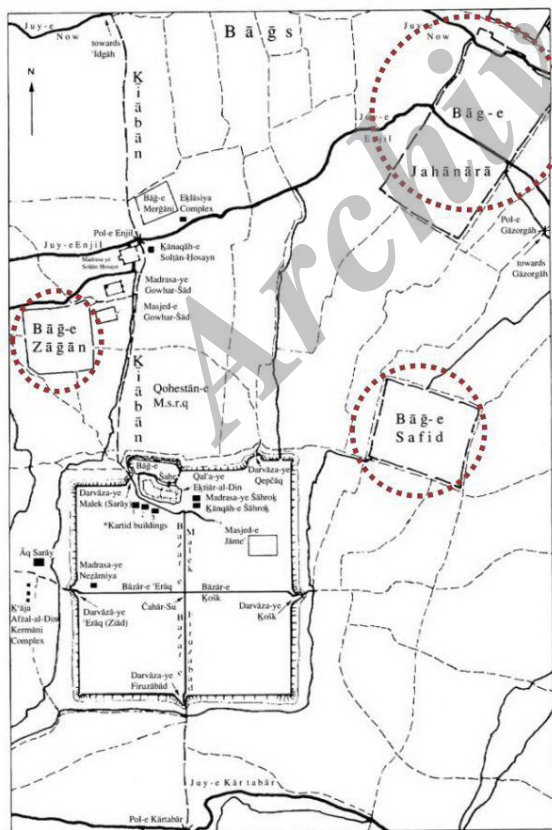
ملت و هویت ملی^{۱۳}، ساختارهای اجتماعی هستند که اغلب به شکل ذاتی وجود ندارند بلکه به دلیل مسایل سیاسی، فرهنگی و تاکتیک‌های بومی شکل می‌گیرند (Clifford, 1988, 12). نکته مهم در شکل دادن به یک ملت، ایجاد رابطه‌ای معنوی بین مردم و مکان است؛ رابطه‌ای خاموش ناشدنی بین افراد و سرزمین‌شان (Penrose, 1993, 29). معمولاً در شرایطی که پیوند بین اعضای جامعه و بین مردم و مکان‌ها، بسیار ضعیف و شکننده است و احتیاج به توجه و مراقبت دارد، هویت بخشی، بیش از آنکه به شکل طبیعی، تدریجی و درونی صورت گیرد، به شکل دوره‌ای و با کمک نیروهای اجتماعی، شکل خواهد گرفت (Clifford, 1988, 12; Jackson and Penrose, 1993). به طور مثال شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن در اروپا، نیاز به تقویت هویت ملی را ایجاد و اختراع سنت‌های جدید برای رفع

معین و تأثرات معنایی‌اند. از این رو تمام آنها به سوی تکمیل افق مفهومی (جهانبینی) ادراک‌کننده جهت گرفته و در این راه یکدیگر را کامل کنند.

همانطور که اشاره شد، گفتگومندی برای بختین روشی است شناخت‌شناسانه و فراگیر در بررسی متن. چنین نگرشی به فضای شهری و ندیدن آن به شکل کلیتی قابل تقسیم به اجزای تشکیل‌دهنده به معنای فهم یک فضا از طریق درک گفتگوهای جاری در آن است. در فهم خیابان چهارباغ در عصر عباسی، توجه به دیالوگ طراح (نویسنده اثر) با مخاطب از طریق عناصر طراحی می‌تواند توجه ما را به نکات جدیدی جلب نماید. نحوه چیدمان عمارت‌های کلاه‌فرنگی سردر باغ‌های سلطنتی دو طرف چهارباغ، عمارت جهان نما (کاخ شاهی و مقر شاه برای تماشای خیابان در زمان جشن‌ها) در صدر خیابان و باغ هزارجریب در انتهای آن و اتصال دوسوی رودخانه توسط پل الله وردیخان، به گونه ایست که نظام ادراکی مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد.

کمپفر در مورد باغات اطراف این خیابان اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد شاه عباس کبیر نه تنها موقعیت دارالسلطنه خود و محور توسعه شهر (چهارباغ) را شخصاً انتخاب کرده است، بلکه در مورد اندازه و طراحی باغ‌های اطراف چهارباغ، هماهنگ با زمین‌های اطراف نیز تصمیم‌گیری می‌کرده است (۱۳۶۰، ۱۴۸). همچنین اشاره به این نکته که توجه به این شکل از چیدمان به حدی بوده که در باغ مَثَمَن در ابتدای غربی خیابان چهارباغ، عمارت سردر، تنها قسمت ساخته شده در باغ است (عالمی، ۱۳۸۵، ۷۶)، اهمیت این چیدمان را مشخص می‌سازد. شاه عباس به عنوان طراح و یا حداقل ناظر مستقیم بر طراحی در شرایط نیاز شدید به احیای اقتدار آسیب‌دیده حکومت، سعی دارد با استفاده از چیدمان صحیح عناصر قدرت در طول این خیابان، جهان ادراکی مخاطب را تحت تأثیر قرار داده و گفتمان قدرت را جاری سازد.

همچنین بررسی معنایی خیابان چهارباغ با توجه به دیالوگی که مخاطب عصر عباسی با این فضای شهری برقرار می‌کرده، کامل‌تر به نظر می‌رسد. در این نگرش، متن بیرون از خواننده باقی نمی‌ماند بلکه حوزه تماس خواننده و متن غنی و تولیدکننده معانی است و در فرایند تعاملی تولید معانی که در این منطقه اتفاق می‌افتد، خواننده حدودی از معانی و ارزش‌های متن را درونی می‌کند (Davidson, 1993, 12). این درونیات سپس به بخشی از عکس‌العمل‌های بعدی کاربر بدل می‌گردد و به این صورت، معانی حاصل از مکان را دوباره شکل می‌دهد. بدین شکل تحلیل معنایی و تاریخی چهارباغ برای پژوهشگر معاصر که با محوری تجاری-اقتصادی مواجه است، تنها از طریق بررسی ویژگی‌های کالبدی در عصر صفوی میسر نمی‌گردد. به نظر می‌رسد برگزاری جشن‌های حکومتی و آیینی و مراسم‌های مذهبی در این خیابان، می‌توانسته مفاهیم ذهنی مخاطبان صفوی را تحت تأثیر قرار داده و معنایی دوباره ببخشد. در این شرایط، قلمدادکردن چهارباغ به عنوان محوری صرفاً ارتباطی و تفریحی، می‌تواند فهم ناقصی از این مکان ارائه



تصویر ۵- نقشه شهر هرات در عصر تیموری. طرح چهار قسمتی شهر هرات و باغ‌هایی که در اطراف شهر جهت تثبیت قدرت و گسترش قلمرو ساخته شده‌اند. ماخذ: (Allan, 1983: نقشه)

و طرح اصلاحات رضاشاهی در اکثر شهرهای ایران. از سوی دیگر گروهی از پژوهشگران طرح خیابان چهارباغ را برخاسته از هندسه باغ ایرانی و برای برقراری پیوند دائم سرزمین تحت فرمان صفوی با مهم‌ترین مفهوم دینی مسلمانان یعنی بهشت توصیف شده در قرآن می‌دانند (Ghghatbin et al., 2012). همچنین گروهی، از تاثیر هندسه پایتخت‌های آرمانی شاه عباس یعنی هرات (تصویر ۵) به عنوان محل اقامت وی در دوران ولایت عهدی و پاسارگاد به عنوان نشانی از تداوم آیین‌های پادشاهی ایران باستان، بر طرح چهارباغ سخن می‌گویند (Walcher, 1998, 339). لذا به نظر می‌رسد بی‌توجهی به پدیده چندآوایی در شناخت فضاهای شهری، می‌تواند درکی ناقص از آن فضا در معرض توجه پژوهشگر قرار دهد.

۳.۳. پیوستار زمانی-مکانی، ایده‌ای کاملاً قابل درک است.

هیچ تجربه‌ای بدون فضا و زمانی که در آن به وقوع می‌پیوندد، معنا ندارد. این به این معناست که هر فضای شهری در یک پیوستار منحصر به فرد از زمان و فضا شکل می‌گیرد. در هر موقعیت، پیوستارها، می‌توانند عقاید و ارزش‌های متفاوتی در برداشته باشند که از تفاوت شرایط اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. از این رو، درک شرایط زمانی-فضایی و در نتیجه شرایط اجتماعی که مکان در آن شکل گرفته و همچنین شرایط زمانی-فضایی و اجتماعی دوره تاریخی که مکان در آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد باید در نظر گرفته شود. زیرا نحوه تفسیر و ادراک یک بنا یا یک فضا، می‌تواند در طول زمان تغییر کند و همچنین برای مردمانی با فرهنگ‌های متفاوت نیز می‌تواند متفاوت جلوه کند (Whyte, 2006, 171). به طور مثال، درک ابعاد نمایشی چهارباغ و نحوه اثرگذاری چنین صحنه‌آرایی‌ای بر نظام مفهومی مخاطب، در راستای احیای قدرت تضعیف شده حکومت مرکزی ممکن است برای پژوهشگر معاصر که نگاهش با انواع طراحی بدنه در مقیاس‌های فرانسوی انباشته شده، دشوار باشد؛ اما زمانی که بدانیم پیش از آن هیچ معبری در ایران حتی از طراحی بدنه و کف برخوردار نبوده است (اهری، ۱۳۸۵، ۵۲)، چه برسد به اینکه در ساخت آن تا این حد به تقارن و شکوه جداره‌ها توجه شود، ابعاد نمایشی این خیابان بهتر آشکار می‌گردد؛ به طوری که دل‌واله، تحت تاثیر عظمت چهارباغ، آن را با گردشگاه‌هایی در روم، ناپل، جنوا و پالمو مقایسه کرده و معتقد است این خیابان دارای عظمتی بی‌نظیر است و هیچ یک از خیابان‌های نام برده به پای آن نمی‌رسند (۱۳۷۰، ۴۲). از سویی دیگر، اگرچه تولد چهارباغ به عنوان نمونه کم‌نظیری از فضای جمعی در مقیاس شهری می‌تواند از منظر وجه نمایش‌گونه دولت شاه عباس صفوی به واسطه برگزاری مراسم‌های ملی، مذهبی و شاهانه مورد توجه قرار گیرد، اما هم‌زمان نمی‌توان به شرایط اجتماعی در صحنه بین‌المللی که شکل‌گیری چنین فضاهایی را ممکن می‌ساختند نیز، بی‌توجه ماند. در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی، ظهور دولت ارضی^{۱۴} به عنوان شکل جدیدی از سیاست از انگلستان در غرب تا لهستان در شرق، همراه با توسعه بازار جهانی، منجر به

این مشکل رواج پیدا کرد. سنت‌هایی مثل سرود ملی، پرچم ملی و نظایر این که بتوانند ارزش‌ها و مفاهیم جدیدی را برای ملت تعریف کنند (Hobsbawm, 1983, 1). در شرایطی که یک ملت با هویتی تاریخی، به دلایل متعدد مانند هجوم فرهنگی کشورهای بیگانه با هویتی در معرض خطر مواجه است، اختراع سنت‌ها، جشن‌ها و آیین‌ها لزومی ندارد بلکه تنها لازم است که سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی موجود در همان جوامع احیا گردند (Featherstone, 1993, 178). کرتزر توضیح می‌دهد که با مشترکاً گریستن، ادای کلمات یکسان و یا انجام رفتارهای مشابه برای هدفی مشترک در خلال برگزاری آیین‌هاست که افراد خود را در یک اتحاد وصف‌ناشدنی با یکدیگر احساس می‌کنند (Kertzer, 1988, 62). به نظر می‌رسد این دقیقاً همان فرایند هویت‌بخشی است که در عصر صفوی با دقت تمام و با کمک گرفتن از طراحی دقیق مکان‌ها، به اجرا گذاشته می‌شده است.

۲.۳. چند آوایی

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز نظریه بختین در انطباق با مفاهیم معماری و شهرسازی نسبت به سایر تئوری‌های زبان‌شناسانه، توجه به ویژگی چند آوایی رمان است. بدین شکل که در یک متن چندصدا، مفاهیم و معانی به جای اینکه در قالب جملات یک طرفه هنرمند بیان شوند، در قالب مناظرات و گفتگوهای چند طرفه در خلال داستان، روایت می‌گردند. بدین شکل معانی مستخرج از یک فضای شهری، حاصل تقابل و در عین حال ترکیب صدای نیروهایی است که مکان را روایت می‌کنند. در حقیقت فضاهای شهری، رمان‌هایی هستند که در آن صداهای مختلفی حضور دارد که هیچ یک قدرت کامل و مطلق را در انحصار خود ندارد و حتی صدای طراح نیز وجه غالب را به خود اختصاص نمی‌دهد.

در حقیقت طراح شهری همواره ایده‌های خود را در هماهنگی سایر فاکتورها نظیر عملکرد، ساختارهای فضایی، ساختارهای زیبایی‌شناسانه، نظرات کارفرما، شرایط اجتماعی و... به کار می‌بندد. همین چندآوایی است که تحلیل معنایی فضاهای شهری را به سوی تکثر پیش می‌برد. لذا اگرچه دشوار به نظر می‌رسد، اما پژوهشگر می‌بایست در تحلیل‌های خود، از همه این صداها پرده برداری کند در حالی که بنا بر منطق پژوهش خود، بر برخی از آنها تاکید بیشتری دارد. به طور مثال در تحلیل فرم نوظهور و هندسی چهارباغ، می‌توان آن را برنامه‌ای برای نمایش اقتدار شاهانه در خلال مناسکی باشکوه و تبدیل مکان به تجسمی از اقتدار سیاسی حکومت صفوی در ناخودآگاه ساکنان شهر دانست؛ اما هم‌زمان نباید از نقش سرعت در اجرا به عنوان یکی از آواهای مهم در چند صدایی این فضاهای شهری، در به وجود آمدن هندسه غیرارگانیک در نوآبادهای صفوی غافل شد (Falahat & Shirazi, 2012, 620). به نظر می‌رسد که در گذشته، اغلب طرح‌های شهری که به صورت فرمایشی و به شکل خلق‌الساعه ایجاد می‌شدند، از فرم‌های هندسی تبعیت داشتند، مانند طرح نوسازی پاریس توسط بارون هوسمان

همه آنها وجود دارد و هر ژانر به شکل موثری بر ژانرهای دیگر اثر می‌گذارد. بدین شکل پژوهشگر ابتدا می‌بایست منطق هر ژانر را که بر اثر انباشته‌های تاریخی و از طریق تاثیر تعداد بیشماری از الگوهای پیشین، در آن رسوب کرده است، درک کند، سپس به بررسی رابطه بین این ژانرها بپردازد.

در مطالعه این مراحل انتقال است که معانی مستتر در یک فضای شهری، می‌توانند یافت شوند. زمانی که یک کارفرما، آرمان‌ها و ارزش‌هایی را برای یک پروژه تصور می‌کند و سپس طراح براساس شرایط پروژه، ایده‌هایی را در ذهن می‌پروراند، آن آرمان‌ها و ارزش‌ها، تا حدودی تغییر خواهد کرد. یک پروژه در مرحله انتقال از ایده به طرح، ساخت و حتی ارتباط با کاربران نیز ممکن است دچار تغییراتی در معنا گردد. تفسیر این جابجایی‌ها و انتقال‌ها، پیچیده و دشوار خواهد بود و مستلزم اطلاعات جامع پژوهشگر نسبت به هر ژانر، اصول و پتانسیل‌هایش برای روشن کردن معانی و یا حتی پنهان کردن آنها است.

برای روشن شدن چنین پیچیدگی‌هایی می‌توان به بنای کاسا دل فاشیو^{۱۶} اثر جوزپه تراگانی^{۱۷} اشاره کرد (تصویر ۶). تراگانی ساختمانش را سمبل ایده‌های فاشیسم معرفی می‌کرد در حالی که گروهی از پژوهشگران آن را سمبل زیبایی‌شناسی راسیونالیستی (Benton, 1995, 40) و گروهی دیگر الگوی انسان‌زدایی مدرنیسم و شاهدی بر نارسیسم خودخواهانه تراگانسی (Schumacher, 1991, 139-170) می‌دانند. علت این اتفاق پیچیده را تنها می‌توان در تغییر ژانرها که تغییر معانی را به همراه دارند جستجو کرد. تراگانی در تلاش برای جلب رضایت کارفرما که نماینده حکومت فاشیستی است، طرح خود را تجسم جمله معروف موسیلمینی "فاشیسم یک خانه شیشه‌ایست" معرفی می‌کند. اما پس از فروپاشی فاشیسم در ایتالیا طرفداران تراگانی برای جلوگیری از تخریب این ساختمان پیشرو و در دفاع از آن، تراگانی را از سیاست‌های زمانه‌اش جدا ساخته و کاسا دل فاشیو را سمبل زیبایی‌شناسی راسیونالیستی معرفی کردند. سپس با آرام گرفتن اوضاع، تاریخ‌نگاران بعدی این بنا را شاهدی بر جاه‌طلبی‌ها و تناقض‌گویی‌های فاشیسم دانستند (Benton, 1995, 40).

همچنین در مورد چهارباغ می‌توان به این نکته اشاره داشت که این خیابان با ایده‌محور نظام‌دهنده ساختار نوبنیادهای شاه عباس و به شکل باغی عظیم طراحی و اجرا گردید. سپس به دلیل ظرفیت‌های کالبدی برای برگزاری تجمعات عظیم به محل برگزاری مراسم‌های ملی و مذهبی در مقیاس شهری به شکل مناسبی و محل تفریح و خوش‌گذرانی به شکل روزانه بدل می‌گردد. با شروع دوران پهلوی و به دنبال ورود اتومبیل و تبدیل بسیاری از کوشک‌ها و سردرهای اطراف خیابان به آپارتمان و مغازه، به یکی از محورهای اصلی تجاری-اقتصادی شهر تغییر چهره می‌دهد. امروزه نیز با ادامه غلبه کارکرد تجاری و اقتصادی باور این حقیقت که روزگاری چهارباغ به مثابه یک گردشگاه عمومی عمل می‌کرده، دشوار به نظر می‌رسد. حتی توجه به نقش این محور در تنظیم معادلات قدرت در دوره صفویه بدون توجه به این تغییر ژانرها نیز دشوار به نظر می‌رسد. به طور مثال

شکل‌گیری انجمن‌های اجتماعی، میادین شهری و فضاهای تجمع و فرهنگ زیبایی‌شناختی جدیدی شد که در نهایت منجر به شکل‌گیری نوع جدیدی از قلمرو عمومی شد (Rahimi, 2011, 11). همچنین در سرزمین‌های غیراروپایی نیز از کشورهای مستعمراتی آمریکا گرفته تا چین، از سرزمین عثمانی تا ژاپن، تغییرات در اقتصاد جهانی، توسعه قدرت دولت‌های مرکزی و الگوهای جدید شهرنشینی، منجر به ظهور ناگهانی قلمروهای اجتماعی مختلف و جدیدی که لزوماً شبیه مدل اروپایی نبودند، شد (Ibid.). نتیجه شکل‌گیری چنین روابط اجتماعی جدید، شکل‌گیری فضاهای جمعی در مراکز بزرگ شهری در کشورهای مهم تجاری آن عصر بود (Ibid., 12) که می‌توان چهارباغ را نیز نمونه‌ای از چنین فضاهایی همگام با تحولات جهانی در این زمینه قلمداد نمود.

۴.۳. ژانر

درک مفهوم ژانر در فضای شهری پیچیده به نظر می‌رسد. در مورد فضای شهری می‌توان هر یک از مراحل فرایند شکل‌گیری (ایده‌پردازی، طراحی، اجرا، تحلیل‌های بعدی و...) را به مثابه یک ژانر دانست. در این حالت، سرمایه‌گذاران، طراحان، سازندگان، کاربران و منتقدان یک مکان، ارزش‌ها و ایده‌های جدید خود را در قالب ژانرهای از پیش شناخته شده تکرار می‌کنند. آنها انتخاب‌های خود را بر اساس تجربیات‌شان در چارچوب‌های آن ژانر، شکل می‌دهند.

در این صورت، برای تحلیل یک مکان، به جای جستجوی مجزا میان پلان، نما، مبلمان شهری، ساختمان‌ها و... باید آنها را به شکل ژانرهای متفاوت دید. آنگاه می‌توان مراحل انتقالی^{۱۵} که در فرایند توسعه یک مکان (تغییر ژانرها) اتفاق افتاده است را تحلیل کرد. اصول مراحل طراحی، ساخت و استفاده از یک بنا، بسیار متفاوت از هم هستند؛ اما در هر پروژه، این ژانرها به واسطه گروهی از مراحل انتقال به هم مرتبط می‌شوند و در نهایت محصول نهایی را شکل می‌دهند. همانطور که یک ایده تا تبدیل شدن به یک مکان از ژانری به ژانر دیگر حرکت می‌کند، تغییرات مکرری را متحمل می‌شود؛ اما ارتباطی دنباله‌دار بین



تصویر ۶- کاسا دل فاشیو.

ماخذ: (www.en.wikipedia.com)

چنین شرایطی است که به اعتقاد فوکوگرایان جشن‌ها همچون سوپاپ اطمینان و یا نوعی بیان کنترل شده عمل می‌کنند که با تمسخر قدرت مسلط تنها در جهت تحکیم آن برمی‌آیند (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴، ۲۱۲). رحیمی به تفصیل در باب چنین تفکرات معترضی در دوره صفویه سخن گفته و البته رشد کمی گسترده قهوه‌خانه‌ها را در این دوران، به عنوان گونه جدیدی از فضای اجتماعی در واکنش به چنین اعتراضاتی می‌داند (۲۰۱۲). لذا می‌توان برگزاری چنین جشن‌هایی را برخاسته از کنترل نامحسوس چنین قشر سرکوب شده‌ای دانست.

پیش از این نیز اشاره کردیم که چهارباغ به عنوان حوزه توسعه همبستگی مکانیکی می‌توانسته در رسیدن به وحدت و انسجام ملی موثر واقع گردد. اما این پدیده وجه دیگری نیز دارد یعنی به جای آنکه فرض کنیم چهارباغ به شکل پیشینی برای چنین منظوری ساخته شده است می‌توان گفت که این محور به شکل پسینی به محفلی برای برگزاری کارناوال‌ها بدل شده است. همان جشن‌هایی که مردم در خلال آنها به قلمرو آرمان شهری آزادی، برابری و وفور نعمت وارد می‌شوند (نولز، ۱۳۹۱، ۱۰). جشن‌هایی که نیرویی رهایی‌بخش برای قشر یا تفکر سرکوب شده هستند. در

نتیجه

جدول ۱- روش‌شناسی تحلیل معنایی فضای شهری بر اساس نظریه بختین.

نکات کلیدی در تحلیل فضاهای شهری بر اساس روش‌شناسی بختین	
۱	توجه به پیچیدگی‌های فضای شهری ن تلاش برای درک فضای شهری به عنوان محصولی در ظاهر وحدانیت یافته اما انباشته از ناهمگونی‌ها و پیچیدگی‌ها
۲	توجه به تکثر معانی به معنای تغییر در فهم حقیقت یک مکان در بستر زمان است که ناشی از ماهیت دیالوگ محور آن است. به معنای وجود ظرفیت تعبیر متعدد از یک فضای شهری به دلیل ساختار چندوجهی (چندآوایی) آن
۳	توجه به بستر تاریخی و اجتماعی به معنای توجه به تفاوت‌های ایدئولوژیکی و ارزشی حاصل از تفاوت شرایط اجتماعی در هر دوره
۴	حفظ نگاه کل‌گرا و همه‌جانبه‌گرا در طول فرایند تحلیل مدنظر قرار دادن امکان تغییر معانی در فرایند انتقال از ژانری به ژانر دیگر به معنای بررسی همه منابع مادی یا غیرمادی، نوشتاری یا غیرنوشتاری که محصول نهایی را در ژانرهای مختلف شکل داده و آشکار ساختن ارتباط این مدارک در منطق هر ژانر

مجموعه یک حلقه از زنجیره گفتگو است و معنی کردن آن در بستر زمان و فضای به خصوصی اتفاق می‌افتد که برای ما به شکل محیط اجتماعی و تاریخی معنا پیدا می‌کند. این بدین معناست که عامل تعیین‌کننده عملیات معنا در متن شهر، برتری بافت بر متن است. در نهایت، منطق روش‌شناسی بختینی در تحلیل محتوایی فضاهای شهری را بر اساس آنچه به عنوان خط مشی بختین در بررسی منتقدانه رمان در بخش ۴ گفته شد، می‌توان در چند نکته خلاصه کرد (جدول ۱).

هرچند که به واسطه پیچیدگی‌های حاکم بر نظریات وی و همچنین فقدان ساختاری نظام‌مند در بیان تئوری‌هایش، این پژوهش تنها مقدمه‌ای است برای پیاده‌سازی این شیوه از خوانش متن در پژوهش‌های مرتبط با ادراک معنای مکان. به نظر می‌رسد روش‌شناسی بختین این ظرفیت را دارد که در پژوهش‌های آتی به چارچوبی مدون در روش‌شناسی تحلیل معنایی فضاهای شهری تاریخی بدل گردد.

در پایان به نظر می‌رسد با توجه به آنچه بررسی خیابان چهارباغ در عصر عباسی نشان داد، در گسترش نظریه رمان بختین در تحلیل محتوایی فضاهای شهری، می‌توان ویژگی‌هایی را که وی در مورد رمان (گونه داستان) مطرح می‌سازد را برای فضاهای شهری نیز همانطور که در تصویر ۳ به آن اشاره شد، برشمرد. در چنین شرایطی، شاید بتوان روش‌شناسی تحلیل رمان وی را نیز در تحلیل محتوایی فضاهای شهری در دوره‌های تاریخی به خصوص، دنبال کرد. لذا بر مبنای تئوری خوانش بختین که پیش از این توضیح داده شد، همچون یک رمان، واحدهای تشکیل‌دهنده یک مکان در رابطه با یکدیگر و در رابطه با مفاهیم توصیفی، تاریخی و انعکاسی قرار دارند. بنابراین در تحلیل فضای شهری، واحدهای تأثیرگذار بر معنای مکان بایست به شکل مجموعه‌هایی دیده شوند که بر محتوای آن اثر می‌گذارند. این بار ساختمان‌ها به عنوان واژگان زبان‌شناسی شهری دیده نمی‌شوند بلکه آنچه مهم و تأثیرگذار است، مفاهیمی است که در رابطه بین این واژگان نهفته است. در نظریه بختین، هر

سپاسگزاری

حمایت مالی و معنوی رساله دکتری نگارنده اول که مقاله حاضر برگرفته از آن است، به عهده شهرداری اصفهان بوده است که بدین‌وسیله مراتب تشکر و قدردانی نگارندگان را اعلام می‌دارد.

پی‌نوشت‌ها

قلی پور، سودابه (۱۳۹۳)، بازآفرینی خیابان چهارباغ عباسی در دوره‌های صفویه و قاجار با تاکید بر بیان تصویری از نوشته‌های سیاحان، باغ نظر، شماره ۲۹، سال یازدهم، صص ۳۳-۴۶.

کارری، جملی (۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی، نشر اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، آذربایجان شرقی.
کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاندار، خوارزمی، تهران.

مک چسنی، رابرت د (۱۳۸۶)، وقف و سیاست ملی در دوره صفویه، ترجمه گیتی عمادزاده، وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، صص ۱۰۲-۱۲۳.
نولز، رونلد (۱۳۹۱)، شکسپیر و کارناوال پس از بختین، ترجمه رویا پورآذر، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران.

Bakhtin, Mikhail (1994a), Dostoevsky's Polyphonic Novel: A Plurality of Consciousness, In *The Bakhtin Reader: Selected Writings of Bakhtin, Medvedev, Voloshinov*. Ed. Pam Morris, Bloomsbury Academic, London.

Bakhtin, Mikhail (1994b), The Dialogic Idea as Novelistic Image. In *The Bakhtin Reader: Selected Writings of Bakhtin, Medvedev, Voloshinov*, Ed. Pam Morris, Bloomsbury Academic, London.

Bakhtin, Mikhail (1981a), Discourse in the Novel, In *the Dialogue Imagination*, ed. Michael Holquist, University of Texas Press, Austin.

Bakhtin, Mikhail (1981b), Forms of Time and of The Chronotope in The Novel, In *the Dialogue Imagination*, ed. Michael Holquist, University of Texas Press, Austin.

Bakhtin, Mikhail (1986), *Speech Genres and Other Late Essays*, Eds. Caryl Emerson and Michael Holquist, Trans. Vern Mcgee, University of Texas Press, Austin.

Bakhtin, Mikhail (1990), *Art and Answerability: The Early Essays of M.M. Bakhtin*, Trans. by Vadim Liapunov, Kenneth Brostorm and Michael Holquist, University of Texas Press, Austin.

Benton, Tim (1995), Speaking without Adjectives: Architecture in the Service of Totalitarianism, in *Art and Power: Europe under the Dictators, 1930-45*, ed. Dawn Ades et al., Hayward Gallery, London.

Carmona, M & et al (2010), *public places, public spaces: The dimensions of urban design*, Architectural press, London.

Clifford, J (1988), *The Predicament of Culture: Twentieth Century Ethnography, Literature and Art*, Harvard University Press, Cambridge.

Cross, Jennifer, E (2001), *What is sense of place*, Western State College: 12th Headwaters Conference.

Davidson, Judith (1993), *Bakhtin as a Theory of Reading*, Technical report, Center for the Study of Reading, University of Illinois.

Falahat, Somayeh & Shirazi, M. Reza (2012), New Urban Development in Safavid Isfahan Continuity or Disjunction, *Planning Perspectives*, Vol. 27, No. 4, pp.611-624.

Featherstone, M (1993), Global and Local Cultures, In *Mapping The Futures: Local Cultures, Global Changes*, ed. by J. Bird et al., Routledge, London and New York.

Green, R. (1999), Meaning and Form in Community Perception of Town Character, *Journal of Environmental Psychology*, 19(3), 311-329.

Haghighat bin, M and et al. (2012), Innovations in the Charbagh Axis of the Safavid Period, *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, Vol. 22, No. 2, pp.80-90.

Hellman, Louis (1993), The Language of Architecture, In *The Routledge Companion to Contemporary Architectural Thought*, ed.

1 Ferdinand de Saussure.

2 Mikhail Bakhtin.

۳ تحقیق بنیادی تحقیقی است که به کشف ماهیت اشیا، پدیده‌ها و روابط بین متغیرها، اصول، قوانین و ساختارها پرداخته و با آزمون نظریه‌ها به توسعه مرزهای دانش رشته علمی کمک می‌نماید.

4 Dialogism.

5 Polyphonic.

6 Chronotopy.

7 Genre.

8 Utterance

9 Heteroglossia

۱۰ سلطنت ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م.

۱۱ سلطنت ۱۵۲۵-۱۵۷۶ م.

۱۲ دو شیوه بنیادین را می‌توان برای همبستگی اجتماعی برشمرد: ۱. همبستگی مکانیکی (Mechanical Solidarity) که بریکپارچگی از طریق شباهت و احساس تعلق به جماعت تکیه دارد و بر پایه روابط اجتماعی بین مجموعه‌ای از افراد ایجاد می‌شود که نقش‌های چندین متفاوتی ندارند مانند هواداران یک حزب سیاسی یا طرفداران یک تیم فوتبال ۲. همبستگی ارگانیکی که بر وابستگی متقابل از طریق تمایز استوار است و تقسیم کار پیشرفته در آن شبکه پیچیده‌ای از روابط در هم تنیده را به وجود می‌آورد که در آن هر فرد نقشی متمایز را بر عهده می‌گیرد مانند اعضای یک تیم فوتبال (دورکیم به نقل از کرایب، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۳۱).

13 National Identity.

14 Territorial State.

15 Transpition.

16 Casa del Fascio in Como.

17 Giuseppe Terragni.

فهرست منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۶)، ساختار و تاویل متن، چاپ نهم، نشر مرکز، تهران.
اولناریوس، آدام (۱۳۷۹)، سفرنامه آدام اولناریوس (اصفهان خونین شیخ صفی)، ترجمه حسین کردبیچ، هیرمند، تهران.
اهری، زهرا (۱۳۸۵)، خیابان چهارباغ اصفهان مفهومی نواز فضای شهری، گلستان هنر، شماره ۵، صص ۴۸-۵۹.
آیت الله زاده شیرازی، باقر (۱۳۸۶)، شهرسازی ظریف و بی نظیر عهد صفویه، ماهنامه دانش‌نما، سال ۱۶، شماره ۱۴۸-۱۵۰، صص ۱۹-۲۰.
بختین، میخائیل (۱۳۸۷)، تخیل مکالمه‌ای: جستارهایی درباره رمان، ت. رویا پورآذر، نشرنی، تهران.
ترکمان، اسکندریک (۱۳۷۸)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به اهتمام ایرج افشار، امیرکبیر، تهران.
دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، سفرنامه، ترجمه شجاع‌الدین شفا، علمی فرهنگی، تهران.
سلدن، امان و ویدوسون، پیتر (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، انتشارات طرح نو، تهران.
شاردن، ژان (۱۳۷۵)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، توس، تهران.
عالمی، مهوش (۱۳۸۵)، باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها، ترجمه محسن جاوری، گلستان هنر، شماره ۵، صص ۷۲-۹۲.
فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه فیگوئرا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران.

- McChesney, Robert D (1988), Four sources on Shah Abbas's building of Isfahan, *Muqarnas*, Issue 5, PP 103-134.
- Messy, D (1994), *Space, Place and Gender*, University of Minnesota Press, Minnesota.
- Norberg-Schultz, C (1980), *Genius loci: Towards a Phenomenology of Architecture*, Academy Editions, London.
- Penrose, J (1993), Introduction: Reification in the Name of Change: The Impact of Nationalism on Social Constructions of Nation, In *Construction of Race, Place and Nation*, Ed by P. Jakson & J. Penrose, UCL Press, London.
- Rahimi, Babak (2011), *Theater State and the Formation of Early Modern Public Sphere in Iran: Studies on Safavid Muharram Rituals*, Brill, Leiden.
- Relph, E (1976), *Place and Placelessness*, Pion Limited, London.
- Schumacher, Thomas L (1991) *Surface and Symbol: Giuseppe Terragni and the Architecture of Italian Rationalism*, ADT, London.
- Shamai, S (1991), Sense of Place: An Empirical Measurement, *Geoforum*, No.22, pp.347-358.
- Shamai, S & Ilatov, Z (2005), Measuring Sense of Place: Methodological Aspects, *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 96(5), 467 - 476.
- Tuan, Y. F (1980), Rootedness versus sense of place, *Landscape*, No. 24, pp.3-8.
- Walcher, Heidi A (1998), Between Paradise and Political Capital: The Semiotics of Safavid Isfahan, *Middle Eastern Natural Environment, Lessons and Legacies*, Bulletin 103, pp. 330-345.
- Whyte, William (2006), How Do Buildings Mean? Some Issues of Interpretation in The History of Architecture, In *History and Theory*, No.45, pp.153-177.
- Ben Farmer and Hentie Louw, London and New York.
- Hirschkop, Ken (1989), *Bakhtin and Cultural Theory*, In *Bakhtin and Cultural Theory*, Ed. By Ken Hirschkop & David Shepherd, Manchester University Press, Manchester & New York.
- Hobsbawm, F (1983), *Inventing Traditions*, In *The Invention of Tradition*, ed. By F. Hobsbawm & T. Ranger, Cambridge University Press, Cambridge.
- Hummon, D (1992), *Community Attachment: local sentiment & sense of place*, plenum, New York.
- Jackson, J. B (1994), *A Sense of Place, a Sense of Time*, Yale University Press, New Haven.
- Jakson, P & Penrose, J (1993), Introduction: Placing Race and Nation, In *Construction of Race, Place and Nation*, Ed by P. Jakson & J. Penrose, London, UCL Press.
- Jorgensen, B & Stedman, R (2006), A Comparative Analysis of Predictors of Sense of Place Dimensions: Attachment to, Dependence on, and Identification with Lakeshore Properties, *Journal of Environmental Management*, No. 79, pp.316 - 327.
- Kertzer, David I (1988), *Ritual, Politics and Power*, Yale University Press, New Haven.
- Kumar, Amith (2015), *Bakhtin and Translation Studies: Theoretical Extensions and Connotations*, Cambridge Scholars Publishing, Newcastle.
- Leedy, Paul D (1997), *Practical Planning and Design*, Merrill, an Imprint of Prentice hall, Columbus, Ohio.
- Lefebvre, Henri (1991), *The Production of Space*, Trans. David Nicholson-Smith, Blackwell, Oxford.
- Lewis, P. F (1979), Defining a Sense of Place, *The Southern Quarterly*, The University of Southern Mississippi, 17(3&4), pp.24-46.

Archive of SID

Analyzing The Meaning of Urban Spaces Via Bakhtin's Novel Theory*

Samar Haghighi Borojeni¹, Seyyed Abbas Yazdanfar^{2}, Mostafa Behzadfar³**

¹Lecturer, Faculty of Architecture and Urban Design, Isfahan Islamic Azad University of Iran, Isfahan, Iran.

²Associate Professor, Department of Architecture, School of Architecture and Urban Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

³ Professor, Department of Urban Design, School of Architecture and Urban Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

(Received 27 May 2017, Accepted 27 Sep 2017)

Interpreting the meaning of urban spaces is a controversial subject in urban studies. There are different approaches from qualitative to quantitative to analyzing and understanding the meaning of a place. However, these attitudes are formed based on analyzing data derived from researchers or users. Hence, appearance of difficulties happens in interpreting historical place during special historical period. When there is no chance to have users or researchers experience. It seems that the best method in these cases is, considering urban spaces as a text and understanding their meaning via reading theories. The principle theoretical basis of this article is emphasizing on M.M.Bakhtin's reading theory. The paper explores urban spaces as a particular text, novel, and takes the conceptual framework of Bakhtin's novel theory into consideration for content analyzing of places. Bakhtin mentioned special characteristics for novel, and discussed that the problem of other reading theories is disregarding these differences. Polyphony, dialogism, chronotopy and complexity in genres are characteristics he mentioned about novel. Dialogism and the tensions, resolutions, and reformations of language and ideas under these conditions, is the central mechanisms of interpretation. Variety of genres means the novel as a whole is multiform in style and variform in speech and voice, means several heterogeneous stylistic unities, often located in different linguistic levels and subject to different stylistic controls. Polyphony is a feature of narrative, which includes a diversity of points of view and voices. It means novel does not appear to aim for a 'single vision' and goes beyond simply describing situations from various angles. The chronotope is how configurations of time and space are represented in language and discourse.

A social language, then, is a concrete socio-linguistic belief system that defines a distinct identity for itself within the boundaries of a language that is unitary only in the abstract. As it will be discussed in detail, Bakhtin outlines new directions for the study of stylistics: The study of the novel must start from an acknowledgement of heteroglossia and be grounded in a view of language as social and historical, dialogic and dynamic, which give rise to yet new possibilities for representation and interpretation. It seems that the concept of, Bakhtin's novel theory which entered the scientific field, theoretically, can revised classic viewpoints of social science and humanities. There for, it can be used as a tool for analyzing subjects in various disciplines like science, philosophy, sociology and etc. Besides, planning and urban design can also use it as an analytical method. Grounded on this conceptual framework, this paper seeks to demonstrate that the dimensions of novel can be adapted to urban spaces. The achievement of this research is to develop a structural and substantial analysis method borrowing the concept of novel reading from linguistics, and to elaborate a tool for the meaning analysis in a historical urban research scope. This methodology is applied in a case study sample and novel characteristics are tested in 'Chahar Bagh', a historic street in the city of Isfahan, during Safavid era.

Keywords: Urban Spaces, Content Analyzing, Novel, Mikhaeil Bakhtin, Isfahan Chaharbagh.

*This paper is based on first author's PhD thesis entitled: "Urban Spaces and Power Reproduction in Saffavid Era" under supervision of second and third authors.

**Corresponding Author: Tel: (+98-912)1125098, Fax: (+98-21)88532683, E-mail:Yazdanfar@iust.ac.ir.